

هنوز؟!

داغ اسارت و اشغال بوطن ، عیان هنوز
 هرسو قفل وسیم خاردار، و زندان هنوز
 هوا مسموم ، از شدت دود و آتش افروزی
 خاموش نگشته سوختن هرآشیان، هنوز
 فریاد خلق از دست ستم، آسمان درید
 اما نگشته باخبر از ما ، جهان هنوز
 با انفجار و خودکشی ، و رفتن به بهشت
 فرمان مرگ میدهد ، این جاهلان هنوز
 قرن هاست زمین رنگ شده با خون ، اما
 رفع نگشت تشنگی خون آسمان ، هنوز
 تمام نشد رسم غلامی و خاکفروشی شاید
 دهها شاه شجاع دیگرست ، نهان هنوز
 سرمایداری و سیستم استثمار ، در جهان
 آلوده است با خون ، و دشمن انسان هنوز
 « زندگی آزادی انسان و استقلال اوست »
 این سخن از پارها است ، ورد زبان هنوز
 اما بشارتیبست ، ازسربداران (ناتور)
 که در سنگر رزم است، آزادیخواهان هنوز

